زندگی سلام

ZENDEGI - SALAM
ضمیمه روزانه روزنامه خراسان
یک‌شنبه • ۱۴ آبان ۱۳۹۶
۱۶ صفر ۱۴۳۹ • ۵ نوامبر ۲۰۱۷
۸۹۹

هنر پرونده

پر سر و صداهای سینما، فوتبال، محیط زیست

طی یکی دو روز اخیر شبکه های اجتماعی، روزهای پرخبری را سپری کردند. مروری داریم بر چند نمونه از داغ ترین خبرها.

■ **استقلال و پرسپولیس، واگذار می شوند؟**

این روزها بحث بدهی های پرسپولیس و استقلال دوباره روی بورس است. گفته می شود دولت می خواهد این بدهی ها را پرداخت کند در حالی که خیلی ها معتقدند به لحاظ قانونی کمک مستقیم دولت به دوباشگاه ممکن نیست و حتی باعث سرپوش گذاشتن روی مدیریت های ضعیف این دو تیم می شود. هر وقت هم که این ماجرا داغ می شود بحث واگذاری این دوتیم به بخش خصوصی به میان می آید. در این اوضاع و احوال «حسن زمانی»، عضو هیئت مدیره باشگاه استقلال، با اشاره به اعلام آمادگی دولت برای کمک به دو باشگاه استقلال و پرسپولیس به‌منظور حضور در جام باشگاه‌های آسیا گفت: «این را که دولت برای کمک به این دو باشگاه دست به جیب شود به فال نیک می گیریم. هر یک از این دو باشگاه دارای ۳۰ میلیون نفر هوادار هستند و با لحاظ این امر، نمی‌توان هیچ کار فرهنگی انجام داد که این میزان دربرگیری و اثرگذاری را داشته‌باشد. وقتی ۳۰ میلیون نفر با برد تیمی همچون استقلال خوشحال می‌شوند و با باخت آن ناراحت؛ به نظر می‌رسد که هر میزان برای این دو تیم پرطرفدار هزینه شود، باز هم جا دارد. با توجه به تعداد هوادارانی که این دو باشگاه در کشور دارند، به هیچ وجه امکان خصوصی‌سازی قطعی این دو باشگاه وجود ندارد. تنها راه این است که مثلا استقلال زیر مجموعه ایران‌خودرو قرار گیرد و پرسپولیس زیر مجموعه سایپا و این دو قطب بزرگ خودروسازی در کشور، هزینه‌های این دو باشگاه را بپردازند این‌گونه امکان واگذاری این دو باشگاه وجود دارد ولی واگذاری این باشگاه‌ها به شخص امکان پذیر نیست». حالا به این بخش صحبت های زمانی کار نداریم که چرا ایران خودرو باید استقلال را تحت پوشش قرار دهد و سایپا پرسپولیس را؟ اما این صحبت که دو تیم چون پرهوادار هستند، نباید خصوصی باشند با رویه رئال و بارسا بلکه تمام تیم های مطرح فوتبال دنیا در تضاد است!

■ **یک گربه پرماجرا!**

هانیه توسلی در تمام سال‌های فعالیتش هیچ‌وقت بازیگر پر حاشیه‌ای نبوده. این‌روزها اما با یک پست اینستاگرامی، حسابی در فضای مجازی سر و صدا به پا کرده‌است. او که چند روز پیش گربه خانگی‌اش را از دست داد، ناراحتی‌اش را با دنبال کنندگان صفحه اش درمیان گذاشت، آن‌هم در قالب جملاتی مثل «دیگه آرزویی ندارم. دیگه تموم شد. فقط منتظرم که زود بیام پیشت». کاربران فضای مجازی دربرابر این پست دو نوع واکنش نشان دادند؛ یک‌عده ابراز همدردی کردند و عده دیگر شروع کردند به شوخی با توسلی و گربه مرحومش. «نفیسه روشن» بازیگر سینما و تلویزیون جزو گروه اول بود و از پست توسلی برای گربه‌اش دفاع کرد؛ او با ابراز تأسف درباره نحوه استفاده کاربران ایرانی از فضای مجازی و اینستاگرام، گفت: «آن حیوان خانگی بخشی از احساس و عاطفه آن آدم است و شاید دوست داشته که آن را به اشتراک بگذارد که با او همدردی کنند و نظراتش را بیان کند، به هر حال تسکین است برای یک آدمی که حیوان خانگی دارد و کارش بسیار درست بوده‌است». انتقاد از بداخلاقی‌های ما در فضای مجازی، درست و به‌جاست؛ شریک شدن غم و ناراحتی با دیگران هم کار بدی نیست اما آن‌چه این‌روزها واکنش منفی مردم را برانگیخته، زیاده‌روی خانم بازیگر در ابراز احساساتش است؛ از دست دادن حیوان خانگی باید یک هنرمند را که به‌هرحال برای قشر خاصی از جامعه الهام‌بخش است، به جایی برساند که تنها آرزویش مردن باشد؟

■ **دستمزد خاطره‌انگیز و جنجالی!**

رضا گلزار هم هنرمند دیگری است که این روزها پست متفاوتی در فضای مجازی منتشر کرده‌است. با این تفاوت که پستش چندان حساسیت‌برانگیز نبوده و «گلزار» بودنش هم کمک کرده تا خیلی واکنش منفی دریافت نکند. تصویری که گلزار در صفحه اینستاگرامش منتشر کرد، مربوط است به قرارداد فیلم سینمایی «سام و بلقیس» که بعد از آن به «سام و نرگس» تغییر نام داد و کارگردانی آن را مرحوم «ایرج قادری» و تهیه کنندگی‌اش را «محمد نشاط» برعهده داشت. گلزار پستش را با این کپشن کامل کرد: «اولین قرارداد سینمایی. ایرج قادری روحت شاد». نکته جالب این‌که مبلغ این قرارداد خاطره‌انگیز یک میلیون تومان بود، آن هم در سال هفتاد و نه؛ یعنی وقتی که نرخ مصوب حقوق براساس قانون اداره کار حدودا زیر ۷۰ هزار تومان بوده‌است؛ و باز یعنی دستمزد یک بازیگر تازه‌کار برای اولین فیلمش چندین برابر حقوق یک ماه یک کارمند و کارگر بوده‌است. واکنش کاربران به پست گلزار هم بیشتر حول‌وحوش همین موضوع بوده‌است.

■ **یوز ایرانی، زنده می‌ماند؟**

خبر داغ دیگر این‌روزها که از چند تای اولی به‌مراتب مهم‌تر است اما به‌اندازه آن‌ها سروصدا نکرده، پیدا شدن سه قلاده یوزپلنگ در کشورمان است. این اتفاق گرچه بسیار خوشایند است اما در عین حال می‌تواند نگران‌کننده هم باشد. ماجرا از این قرار است که رئیس منطقه حفاظت‌شده توران شاهرود، صبح روز جمعه سه قلاده یوزپلنگ را در حوزه استحفاظی زمان‌آباد مشاهده و از آن‌ها عکاسی کرد. این یوزپلنگان بالغ که در محل خط الراس در حال استراحت بودند، پس از حدود چهار دقیقه که از عکاسی گذشت، به آرامی از محل دور شدند. «دامنگیر»؛ رئیس ذخیره‌گاه زیست کره توران، بعد از ثبت مختصات توسط جی‌پی‌اس به محل استراحت یوزها رفت و به «خبرگزاری مهر» گفت رد تازه قوچ و میش وحشی هم در همان محل کاملا مشهود بوده‌است. او که امیدوار است سازمان برنامه و بودجه کشور، هرچه سریع‌تر اعتبارات ملی را در راستای حفاظت از یوز آسیایی ابلاغ کند، گفته «دستگاه‌های اجرایی استان می‌توانند با همکاری محیط زیست برای حفاظت از این گونه ارزشمند کمک کنند». عامل نگران‌کننده‌ای که نمی‌گذارد از شنیدن این خبر خوشحال باشیم هم دقیقا همین نکته است که آیا این گونه جانوری ارزشمند، به‌خوبی محافظت خواهدشد یا به سرنوشت همنوعانش دچار خواهدشد؟

نگاهی به رازهای برخی از رایج‌ترین تکنیک‌های شعبده‌بازی و تردستی

پای یک حقه در میان است!

مجید حسین زاده- شعبده بازی، یک هنر، یک حرفه و یک سرگرمیِ شگفت انگیز است؛ دنیای گسترده‌ورنگارنگی، سرشار از جذابیت و علامت سوال. مهارتی که به واسطه آن، می توان بر ذهن و حواس اطرافیان اثر گذاشت و به بیننده و مخاطب، چیزی نشان داد که واقعا اتفاق نیفتاده است. مهارتی که با تکنیک و رموز و ابزار خاص مثل حرکات سریع دست یا امکانات فیزیکی مانند وجود یک در یا پنجره پنهان، شکل می گیرد و از این نظر، با مفهومی مثل جادوگری که بر مبنای نیروهای فوق بشری است، فرق دارد. یک حرفه پول ساز که برای همه سنین، در همه جای دنیا جذاب است و زن و مرد و پیر و جوان، مسحورش می شوند. اگر برای شما هم پیش آمده که به شکل واقعی یا از طریق قاب جادویی تلویزیون، مخاطب تردستی های شگفت انگیز باشید و یک لحظه به خودتان آمدید و متوجه شدید دقایق طولانی است که محو و مبهوتِ تکنیک های جالب شعبده بازی مانده اید، پرونده امروز که نگاهی است به پشت‌پرده شعبده‌ها و رازهای شعبده بازان، حتما برایتان جذاب خواهد بود. با ما همراه باشید.

درباره وال‌والنتینو، مردی که رازهای شعبده‌بازان را فاش کرد

افشاگر اسرار

چند سال قبل دنیای شعبده بازی دستخوش یک توفان سهمگین شد؛ یک مردِ مرموز با یک ماسک عجیب بر چهره پیدا شده بود که از طریق یکی از پربیننده ترین شبکه های تلویزیونیِ دنیا، به افشای اسرار شعبده های معروف اقدام می کرد! وال والنتینو، شعبده بازِ موفق که بین همکارانش اسم و رسمی داشت و تقریبا روی تمام حقه هاَ مسلط بود، به این نتیجه رسید که دنیای شعبده بازی خیلی یکنواخت و کسل کننده شده و تصمیم گرفت کار جدیدی انجام دهد و به این ترتیب، با همراهی شبکه تلویزیونی فاکس‌نیوز، یک انقلاب و تحول عظیم در دنیای شعبده بازی ایجاد کرد. بله! آقای والنتینو تصمیم گرفت برنامه ای بسازد که در آن، جلوی چشمان متعجب میلیون ها مخاطب، پرده از رازهای شعبده های قدیمی و جدید بردارد؛ کاری که تا پیش از آن هیچ شعبده بازی انجام نداده بود. منتها با یک شرط: هویتش به وسیله پوشاندنِ چهره با یک ماسکِ مرموز، مخفی بماند! شرطی که مورد قبول مسئولان شَبکه قرار گرفت، یک قرارداد مالی سنگین بسته شد و پخش برنامه کلید خورد. او در این برنامه ابتدا مقابل دوربین و به کمک دستیارانش، شعبده مد نظر را با مهارت تمام اجرا می کرد، در بخش بعدی برنامه با طرح سوالاتی، ذهن بیننده را به چالش می کشید و سرانجام به شکل مفصل، قدم به قدم و با ذکر جزئیات، چگونگی انجام تردستی را بازگو می کرد تا به شعبده دوستان ثابت کند حتی اجرای خطرناک ترین و عجیب ترین حقه ها هم، کار چندان سختی نیست و شعبده بازی با دنیای ماورا ارتباطی ندارد و شعبده باز بودن تنها به کمی مهارت و تجربه نیاز دارد.

جسارت مرد ماسک‌دار جنجال زیادی در دنیای شعبده و بین اعضای انجمن شعبده بازان به راه انداخت و شعبده بازان معتقد بودند این مرد با بازگو کردن اسرار مگوی دنیای تردستی، خیانت بزرگی به هم‌صنفانش کرده. در حین پخش این مجموعه، مرد ماسکی بارها از سوی افراد ناشناس مورد تهدید قرار گرفت و بارها با پیشنهاد دریافت مبالغ رویایی به عنوان رشوه در ازای دست برداشتن از کارش، رو به رو شد. در نهایت، در آخرین قسمت برنامه، والنتینو تصمیم گرفت هویتش را فاش کند تا به تمام جنجال ها پایان دهد و تحت حمایت انجمن شعبده بازان درآید. او فکر می کرد دیگر زمان آن رسیده که طرفدارانش بدانند مرد ماسکی همان وال‌والنتینو است. والنتینو با فاش کردن اسرار مگوی دنیای شعبده که سالیان سال سینه به سینه بین شعبده بازان گشته بود، هم انگیزه طراحی تردستی های جدید و حس رقابت بین شعبده بازان را برانگیخت و هم به مخاطبانِ این برنامه ها یادآوری کرد که هیچ جادو و نیروی ماورایی در کار نیست و هر رازی، یک کلید دارد!

با برخی از رازهای معروف ترین شعبده‌های دنیا آشنا شوید

از بلعیدن شمشیر تا نصف کردن انسان!

به‌طور معمول وقتی مخاطب یک برنامه شعبده بازی، چه از نزدیک و چه به شکل تصویری هستیم، به دلایل مختلف از جمله جذابیت های بصری و حرکت و امکانات پنهان و البته، سرعت عمل و تجربه شعبده باز، فقط مسحور ظاهر ماجرا می شویم و از این که واقعا دارد چه اتفاقی می افتد، بی خبریم. منتها رمزگشایی هایی شبیه آن چه وال والنتینو اجرا کرد یا افشای ترفند و حقه های شعبده ها به وسیله خود شعبده بازان، نشان می دهد معمولا تکنیک های تردستی در همه جای دنیا، بر مبنای اصولی مشخص و با تکیه بر یک سری امکانات ثابت اجرا می شود. به عنوان مثال، تقریبا همیشه در شعبده های خوابیدن روی میخ و خرده شیشه، میخ ها و شیشه ها واقعی نیست و از جنس همان میخ و شیشه هایی است که در تهیه سکانس های اکشن فیلم های سینمایی از آن ها استفاده می شود و شک نکنید انواع شعبده هایی که بر مبنای غیب و ناپدید شدن افراد و اشیا شکل می گیرد، همیشه به وسیله یک در یا دریچه کوچک و مخفی انجام می گیرد. خلاصه همیشه پای یک حقهٔ ساده یا پیچیده در میان است. در ادامه، با حقه‌هایی که برخی از جذاب‌ترین تکنیک‌های شعبده و تردستی را شکل می‌دهند، آشنا می‌شوید.

■ **راه رفتن روی آب**

یکی از قدیمی ترین شعبده بازی هایی که تا همین چند وقت قبل، تعجب همگان را برمی انگیخت، راه رفتن روی آب بود و ویدئوهای راه رفتن روی آب استخرها و دریاچه ها توسط افرادی که ادعا می کردند خاص هستند، طرفداران زیادی داشت. پی بردن به راز این شعبده، چندان دشوار نیست. یادتان باشد هر وقت مخاطب شعبده بازی بودید که ادعا می کرد دارد روی آب راه می رود، صرفا با یک صفحه شیشه ایِ ظریف اما محکم، جوری که بتواند وزن شعبده بازِ را تحمل کند طرف هستید که زیر امواج آب قرار گرفته و یک فیلم بردار وفادار و چندین سیاهی لشکر که اطراف شیشه شنا می کنند، صرفا مشغول فضا سازی راه رفتن روی آب اند!

■ **جادوی تعویض اسکناس**

شعبده باز، در این حقه عجیب، اسکناس یک دلاری را از جیبش بیرون می آورد و بعد از چند حرکت عجیب، آن را به یک اسکناس ۱۰۰ دلاری تبدیل می کند. همه چیز به یکی از ساده و مهم ترین مهارت های یک شعبده باز وابسته است. ماجرا از این قرار است که شعبده باز دو اسکناس همراه خودش دارد، یکی از اسکناس ها یک دلاری است و دیگری ۱۰۰ دلاری. او در طول مدت اجرا، حواس تماشاچیان را با تا کردن اسکناس یک دلاری پرت می کند، آن هم به شکلی که همه گمان می کنند تمام راز و رمز ماجرا در همان شیوه تا کردن نهفته است اما واقعیت چیز دیگری است. او اسکناس ۱۰۰ دلاری را در آستینش مخفی کرده و در یک حرکت سریع، آن را با دیگری تعویض می کند.

■ **بلعیدن شمشیر بدون خونریزی**

بلعیدن شمشیر یکی از ترسناک ترین راه های سرگرم کردن مردم در تمام دنیاست. مردان غول پیکری که با قورت دادن شمشیر و خنجرهای بسیار بزرگ و تیز، افراد زیادی را به شگفتی وا می دارند! کسانی که این شعبده عجیب را انجام می دهند، برای این که حقه شان قابل باور باشد، شمشیر را چند بار به زمین و دیوار می کوبند تا تاکید کنند که واقعا تیز است و درست هم می گویند اما حقه شعبده، زیرکی و مهارت خود شعبده باز است. او هنگام بلعیدن شمشیر، زاویه گلو و دهانش را طوری تنظیم می کند و زبانش را جوری عقب می دهد که عملا شمشیر با نای و معده اش در یک راستا قرار می گیرد. با این حساب، تنها مشکل این است که مبادا تیزی سر شمشیر، معده فرد را پاره کند که اگر زاویه درست رعایت شده باشد، هیچ مشکلی پیش نمی آید.

■ **رد کردن نخ از گردن**

رد کردن نخ از گردن هم بدون این که قطره ای خون بر زمین بریزد، از آن شعبده هایی بود که مو را بر تن آدم سیخ می کرد. شعبده باز، دو سر نخ را می گیرد و به سمت گلویش نزدیک می کند و آن قدر این کار را ادامه می دهد که نخ در گلویش فرو می رود. اما حقه این تردستی، ماده ای است که شعبده باز به گردنش مالیده که همرنگ بدن اوست و نخ را بدون این که از پوست گردن جدا شود، در خود راه می دهد!

■ **نصف کردن انسان**

هروقت در شعبده بازی، بحث نصف شدن یک آدم از وسط مطرح است، در واقع دو نفر که یکی از سر تا زانوهایش دیده می شود و دیگری، از زانو تا انگشت پاهایش را می بینیم، ولی در کنارِ هم به شکلِ هیکلِ یک نفر دیده می شوند، درِ حال همکاری هستَند و هیچ نصف شدنی در کار نیست.

■ **عبور غلتک از روی بدن**

حقه این اتفاق، این است که قبل از شروع فیلم برداری، گودالی به اندازه کریس آنجل، کسی که این شعبده را اجرا می کرد، حفر شده و آن را با فوم نرم و انعطاف پذیر پر کرده اند. زمانی که غلتک از روی او رد می شود، او در فوم فرو می رود و فوم به خاطر انعطاف پذیری به حالت اول باز می گردد و همه فکر می کنند غلتک از روی پاهای او رد شده است. خرده شیشه ها هم از نوعی پلاستیک خاص هستند.

■ **معلق شدن روی هوا**

هر موقع که موضوع شعبده، بالا رفتن از سطح زمین و معلق شدن در فضاست، شک نکنید که پای یک جرثقیلِ عظیم الجثه و تعدادی رشته نایلونی نامرئی در میان است؛ یا این که شعبده‌باز، روی سازه ای فلزی نشسته که به وسیله قالیچه و لباس‌های بلند، پوشانده شده است.

■ **عبور دست از آینه**

این یکی، شعبده عجیبی است که در نگاه اول هر مخاطبی را شگفت زده می کند. شعبده باز دستش را از وسط یک قاب آینه ای یا شیشه ای که کاملا بسته به نظر می رسد عبور می دهد و گل یا شی دیگری را که در طرف دیگر میز قرار دارد، لمس می کند. نخستین احتمالی که تازه کارها ممکن است مطرح کنند، «خطای دید» است. هر چند واقعا پای خطای دید در میان است اما تمام راز ماجرا در ساختار آینه نهفته است. این آینه بر خلاف آن چه به نظر می رسد، یک تکه نیست.